

بسم الله الرحمن الرحيم

# حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی از منظر تولیدکنندگان

## معاونت پژوهش‌های اقتصادی

### گزارش راهبردی ■ شماره ۱۵۸ ■ آذر ۱۳۹۱

کد گزارش: ۰۴-۱۰-۹۱-۰۵

مطالب این گزارش لزوماً بیانگر دیدگاه‌های معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک نمی‌باشد.

نشانی | تهران | انتهای پاسداران | روبه‌روی بوستان نیاوران | شماره ۸۰۲ | تلفن | ۲۲۸۰۱۲۷۵ | دورنگار | ۲۲۸۰۱۲۷۶ | صندوق پستی | ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵



رضا مجیدزاده

www. ....ir



مرکز تحقیقات استراتژیک

حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی از منظر تولید کنندگان

گزارش راهبردی ۱۵۸، کد گزارش: ۰۴-۱۰-۹۱-۰۵

زیر نظر: دکتر محمدباقر نوبخت، معاون پژوهش‌های اقتصادی

مدیریت امور پژوهشی و اطلاع رسانی

مدیر گروه پژوهشی: سعید غلامی‌نجاج امیری

تهیه کننده: رضا مجیدزاده

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: مرکز تحقیقات استراتژیک

صفحه آرا: نجمه قادری

نوبت انتشار: نخست - آذر ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

تهران، انتهای خیابان پاسداران، ضلع جنوبی بوستان نیاوران، شماره ۸۰۲، تلفن: ۲۲۸۰۲۵۲۵، دورنگار: ۲۲۸۲۲۵۲۵

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران، مجتمع تجاری - آداری فروزنده، طبقه اول، واحد ۴۱۲،

تلفن: ۶۶۴۷۶۲۴، ۶۶۴۷۶۲۵





### چکیده

این گزارش بر مبنای نظرات تولیدکنندگان کشاورزی و صنعت در همایش «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی از منظر تولیدکنندگان» که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ در مرکز تحقیقات استراتژیک برگزار شده تنظیم گردیده است. نظرات تولیدکنندگان درباره حمایت از کار و سرمایه ایرانی بر سه محور مسایل پایدار تاریخی یا توسعه‌ای، مسایل کلان یا سیاست‌گذاری میان‌مدت و کوتاه‌مدت و مسایل خرد قابل تقسیم است. در قالب این سه سطح موارد مشترکی از جانب تولیدکنندگان مطرح شده بود که به دشواری واردات مواد اولیه در عین سهولت واردات کالاهای نهایی مشابه، مسایل مربوط به نرخ ارز، چسبندگی قیمت‌ها، توجه به مساله آب، کوچک بودن اراضی کشاورزی، تقویت تشکلهای تولیدی، بهره‌وری اندک و فاصله با دانش روز تولید اشاره داشتند. با این وجود دولت می‌تواند با اتخاذ رویکرد توسعه‌ای معطوف به کاهش هزینه مبادله و پیشگیری از ابتلای اقتصاد ایران به بیماری هلندی از وقوع بسیاری از این عوارض به ویژه تورم، واردات و توان رقابتی اندک کمک کند.



## محتوای گزارش

### ۱. تولید ملی از منظر تولیدکنندگان

#### ۱-۱. صنعت نساجی

دیرینه صنعت نساجی در ایران به دوران صفویه و تجارت انحصاری ابریشم در آن دوران باز می‌گردد. از نظر ساختار مدرن صنعتی، تاسیس واحدهای صنعتی نخ ریزی در ایران از سال ۱۲۸۱ خورشیدی آغاز شد. در حال حاضر ۹۰۰۰ واحد صنعتی یعنی ۱۲ درصد کل صنعت و ۲۸۰ هزار نفر کارگر در این صنعت فعالیت دارند. سهم ارزش افزوده صنعت نساجی و پوشاک از کل صنعت برابر ۴ درصد است و واحدهای نساجی برای یک دوره چهارماهه در سال به سرمایه در گردش در حدود ۵ هزار میلیارد ریال وابسته‌اند. بنابراین می‌توان اشتغال زایی بالا، پتانسیل ارزش افزوده، بازارهای بزرگ داخلی و خارجی، امکان رشد و توسعه صنعت نساجی در حوزه فناوری‌های برتر<sup>۱</sup> و امکان تامین بخش عمده مواد اولیه از داخل کشور را به عنوان مزیت‌های این صنعت در نظر گرفت. پیش از اجرای مصوبات قانون بازسازی و نوسازی صنایع، بیش از ۴۰ درصد ماشین‌آلات موجود در سیستم پنبه‌ای، الیاف مصنوعی و فاستونی فرسوده بودند. از این روی نرخ بهره‌برداری از آنها به ۵۰ درصد کاهش یافت که افت کیفیت محصول، افزایش قیمت تمام شده، کاهش ارزش افزوده و تراکم نیروی انسانی در واحدهای قدیمی را به دنبال

---

1. High- Tech Industries

داشت. علاوه بر این حدود ۴۵ درصد واحدهای تولیدی ریسندگی و بافندگی بزرگ در مالکیت و مدیریت سازمان‌ها، ارگان‌ها، نهادهای عمومی و بانک‌ها بوده است. وجود واحدهای بسیار قدیمی با مشکلات متعدد در کنار واحدهای جدید باعث شده بود تا برآورد و آرایه اطلاعات بهره‌وری کل صنعت نساجی به صورت نامناسبی انعکاس یابد. ضمن اینکه اصلاح ساختار مالی و نیروی انسانی نیز برای این صنعت ضرورت داشت چون ساختار مالی نامناسب واحدهای تحت پوشش ارگان‌های عمومی و بانک‌ها به عدم پذیرش طرح بازسازی و نوسازی واحدها در بانک‌ها می‌انجامید.

پس از اجرای قانون بازسازی و نوسازی صنایع نساجی و پوشاک، شتاب پیشرفت واحدهای خصوصی نیز افزایش یافت به طوری که بالغ بر ۸۰ درصد از طرح‌های گشایش شده بازسازی و نوسازی به بخش خصوصی مربوط می‌شود. به دنبال ارتقا سطح تکنولوژی ماشین‌آلات نیز سطح تحصيلات کارکنان و در نتیجه ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی و سطح کیفی و کمی محصولات بالا رفت و از هزینه‌های سربار کاسته شد. اصلاح خطوط تولید، افزایش سطح تنوع محصولات را در پی داشت و امکان تغییر خطوط تولید در کارخانجات مشمول قانون بازسازی و نوسازی، بخش خصوصی را برای تولید محصولات جدید از قبیل منسوج نبافته، پتوی راشل و پوشاک جین با قابلیت تنوع و کیفیت بالا و رقابت با محصولات خارجی برانگیخت. این شرایط رشد صادرات نساجی و پوشاک را به دنبال داشت به گونه‌ای که صادرات نساجی و پوشاک در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۶ در حدود ۲۰ درصد رشد داشت. در واقع صادرات منسوجات و پوشاک از ابتدای سال ۱۳۸۰ مشمول جوایز صادراتی گشت و تا سال ۱۳۸۸ روندی صعودی با نرخ ۱۵ تا ۲۰ درصدی یافت اما از سال ۱۳۸۹ دچار افت شد. در سال ۱۳۹۰، ارزش وزنی کل صادرات بخش نساجی و پوشاک به میزان ۶۱ درصد و از لحاظ ریالی به میزان ۱ درصد نزول کرد. نرخ بالای تورم در کشور از جمله موانع اصلی افزایش توان رقابتی کالاهای ساخت داخل با رقبای خارجی ترکیه و چین بوده است. می‌توان عوامل موثر در رشد قیمت یا افزایش قیمت تمام شده کالاهای نساجی و پوشاک را به



شرح زیر فهرست کرد:

- قیمت بالا و کمبود مواد اولیه که شامل الیاف مصنوعی و پنبه است
- افزایش نرخ حامل‌های انرژی و هزینه حمل و نقل در اثر اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها
- افزایش حداقل دستمزد کارگران و افزایش هزینه بیمه سهم کارفرما
- افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی
- ناامنی فضای کسب و کار بر اثر وضع قوانین و مقررات خلق الساعه و غیرکارشناسی نظیر پیمان سپاری ارزی
- هزینه‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی
- خودتحریمی از سوی وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و بانک‌ها

#### ۱-۲. کشاورزی، دامداری و خدمات وابسته

از منظر محصولات کشاورزی، برنج یکی از اقلام اصلی سبد غذایی خانوار ایرانی به شمار می‌رود. تولید برنج در کشور در حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن است و رقمی نزدیک به همین مقدار نیز سالانه به کشور وارد می‌شود. تولیدکنندگان برنج مشکلات تولید برنج در کشور را به شرح زیر فهرست کرده‌اند:

- خرد شدن اراضی و غیراقتصادی شدن تولید به ویژه با ماشین‌آلات که ماهیت قانون ارث به تغییر کاربری اراضی و کشت و کار در حد معیشتی منجر می‌شود
- تاخیر در ارائه تسهیلات بانکی برای آماده‌سازی زمین و اجرای طرح‌هایی نظیر یکپارچه‌سازی، تسطیح، تجهیز و نوسازی اراضی به عنوان پیش نیاز کشت مکانیزه، تامین نهاده کشاورزی و ماشین‌آلات
- عدم گسترش بیمه محصول به واسطه دیدگاه‌های مختلف و متناقض بیمه‌گر و بیمه‌گزار
- نبود چارچوبی مدون برای تنظیم خرید تضمینی ارقام پر محصول برنج
- کندی روند افزایش و توسعه سطح کشت دوم بعد از برنج برای کمک به تولید

### علوفه و سبزیجات و تقویت خاک

- عدم ارایه بسته‌های حمایتی مخصوص تولیدات کشاورزی پس از اجرای قانون

هدفمندسازی یارانه‌ها

- عدم ساماندهی مناسب واردات برنج بر اساس نیاز واقعی

- توقف اجرای طرح اصلاح ساختار شالیکوبی‌ها به دلیل عدم ارایه تسهیلات

- نبود صنایع جانبی و تکمیلی برنج به مانند روغن سبوس برنج

سیب‌زمینی نیز یکی از اقلام مهم سبد غذایی خانوار ایرانی است. سطح زیر کشت

سیب‌زمینی به ۱۸۰ هزار هکتار می‌رسد که محصولی بالغ بر ۲۶ تن را تولید می‌کند.

میانگین برداشت سیب‌زمینی در اروپا به ۵۰ تن در هکتار می‌رسد که به طور متوسط

۳۰ نفر-ساعت به ازای ۵۰ تن نیروی کار نیاز دارد. مکانیزاسیون مدرن و امکانات لازم

برای سمپاشی از مهمترین عوامل دستیابی به چنین سطحی از برداشت است.

تولیدکنندگان سیب‌زمینی مشکلات تولید این محصول را به این شرح فهرست کرده‌اند:

- عدم آشنایی مسوولان با این فعالیت

- عدم ثبات مدیریت؛ کشاورزان در برنامه‌ریزی خود دست کم دو سال را در نظر

می‌گیرند اما برخی از مدیران در فاصله کمتر از یکسال جایگزین می‌شوند

- رویکرد تلقی از صادرات به عنوان فروش محصول مازاد به جای رویکرد صادرات

پایدار مبتنی بر برنامه‌های بلندمدت همراه با تضمین لازم. برای نمونه در طی ۵ سال

گذشته عکس قانون منع ایجاد تعرفه برای صادرات محصولات کشاورزی، تولیدکنندگان

دو نوبت تعرفه صادرات پرداخته‌اند.

- عدم احتساب نرخ استهلاک در تزریق بودجه به بخش کشاورزی.

پنبه یکی از محصولات مهم و استراتژیک از نظر تامین مواد اولیه کارخانجات

نساجی و تولید پروتئین برای تامین امنیت غذایی است. شرایط اقلیمی ایران، بستر

مساعدی برای کشت پنبه به دست می‌دهد. سطح زیرکشت پنبه در سال‌های اخیر به

نفع سایر محصولات کاهش یافته و این در حالی است که به‌عنوان مثال کشت پنبه بعد

از کشت گندم باعث کاهش بیماری‌های گندم و کنترل راحت‌تر آفات می‌شود و به همین دلیل با خارج کردن پنبه از دوره تناوب زراعی، خسارات جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست وارد می‌شود. با توجه به بحران کمبود آب در کشور، پنبه از لحاظ کم مصرفی آب، محصول مناسبی به شمار می‌رود زیرا نیاز آبی پنبه عمدتاً به دوران گل دهی این محصول خلاصه می‌شود و با مدیریت صحیح می‌توان مصرف آب در این محصول را به مقدار بهینه‌ای کاهش داد. در سال ۱۳۵۷ در ۲۸۰ هزار هکتار از اراضی کشور پنبه کشت می‌شده که این میزان در سال ۱۳۸۰ به ۱۹۹ هزار هکتار کاهش یافته است. در این سال تولید پنبه محلول در حد ۱۳۵ هزار تن بود. سطح زیر کشت پنبه در سال ۱۳۸۷ به میزان ۱۳۰ هزار هکتار بوده و تولید پنبه محلول در این سال معادل ۱۰۰ هزار تن بوده است. در سال زراعی ۱۳۸۸ سطح زیر کشت پنبه با ۲۵ هزار هکتار کاهش به ۱۰۵ هزار هکتار رسید.

تولیدکنندگان پنبه مشکلات خود را در سه محور نهاده‌ها، برداشت و فروش محصول عنوان کرده‌اند؛ بذر به عنوان مهمترین نهاده محسوب شده و بیش از ۵۰ درصد موفقیت کشت به آن بستگی دارد با این وجود بذر زراعت پنبه به علت عدم خلوص رقم که از فقدان دقت و کنترل کافی ناشی می‌شود از کیفیت مطلوب برخوردار نیست. از طرف دیگر تنوع بذر در مناطق بر اساس مطالعات سازگاری نیست برای نمونه در استان‌های شمالی به جای استفاده از بذر رقم ساحل از بذر بختگان که با اقلیم استان فارس سازگاری دارد استفاده می‌شود. به علاوه انتخاب پیمانکار تکثیری بر اساس شرایط و ضوابط نبوده و نظارت لازم به عمل نمی‌آید. کود شیمیایی نیز نهاده‌ای است که با دو قیمت یارانه‌ای و غیریارانه‌ای عرضه می‌شود اما مقدار کود یارانه‌ای کافی نیست. بر روی وضعیت سموم مصرفی نیز نظارتی وجود ندارد، پنبه‌کاران هزینه سم و سمپاشی را پرداخته و خسارت ۳۰ درصدی آفت را متحمل می‌شوند.

از نظر برداشت محصول، مکانیزاسیون در زراعت پنبه صورت نگرفته و برداشت با دست انجام می‌شود. دستیابی به تعداد کارگر لازم دشوار است و کارگران نیز دقت لازم

را به خرج نمی‌دهند. به علاوه در حدود یک سوم قیمت وش برای برداشت صرف می‌شود که ادامه این روند به کاهش سطح کشت خواهد انجامید. اکثر پنبه‌کاران برای فروش محصول در تقابل با سلف‌خران و دلانان هستند و میزان قابل توجهی از درآمد آنها کاسته می‌شود چون کشت پنبه نیاز به نقدینگی در طی عملیات زراعی دارد و دریافت وام از بانک کشاورزی به آسانی صورت نمی‌پذیرد.

چغندر قند نیز یکی از محصولات کشاورزی مهم در ایران به شمار می‌رود. نزدیک به ۲۵ هزار هکتار زمین به کشت این محصول اختصاص دارد و تولید آن در حدود ۸۹۵ هزار تن است. تولیدکنندگان چغندر پایین بودن نرخ تضمینی نسبت به محصولات رقیب، عدم سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و ترویج، پایین بودن انگیزه کارشناسان، عدم سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی ماهر، واردات شکر، فرسودگی ماشین‌آلات کاشت، داشت و برداشت را به عنوان مهمترین مشکلات تولید این محصول در ایران بر شمرده‌اند.

تولید محصولات باغی در ایران به سالانه بیش از ۱۶ میلیون تن بالغ می‌شود که مقام هشتم در جهان را در اختیار دارد. بخش باغبانی در کشور ۱۷ درصد سطح زیر کشت، ۱۸ درصد تولید، ۲۵ درصد ارزش افزوده و ۸۰ درصد صادرات کشاورزی را به خود اختصاص داده است. با این وجود بیشتر بهره‌برداران در بخش باغبانی در اثر نبود سرمایه و پایین بودن سطح درآمد خود توان تولید را از دست می‌دهند. باغ‌داران مهمترین مشکلات خود را به شرح زیر مطرح کرده‌اند:

• عدم وجود باغ‌های مادری استاندارد و کافی برای تهیه اندام‌های لازم برای تکثیر (قلمه و پیوندک و ...)

- کمبود انبار نگهداری، سردخانه، بسته‌بندی نامناسب محصولات
- عدم وجود صنایع تبدیلی مرتبط در مناطق تولید
- کمبود آگاهی بهره‌برداران بخش از بازارهای هدف و انباشت بیشتر محصولات که به افت قیمت می‌انجامد

- کمبود نظارت دقیق مسوولین نسبت به استاندارد نبودن بیشتر انواع کودها و سموم دفع آفات نباتی که به افزایش هزینه و آلودگی محیط زیست منجر می شود
- فرسودگی و اداره سنتی بیشتر باغهای کشور
- ممنوعیت واردات بذر و نهال در عین آزادی واردات میوه
- فعال نبودن تشکل های تولیدکنندگان به ویژه برای ساماندهی عرضه محصولات

#### تولیدی

- افزایش هزینه تولید به واسطه اجرای طرح هدفمندسازی یارانهها
- سیاست گذاری در بخش بازرگانی بدون مشورت با نمایندگان باغداران و
- بالا بودن نرخ سود بانکی

طبق آمار سازمان شیلات، تولید آبیان کشورمان بیش از ۴۰۰ هزار تن می رسد. درحالی که سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد سرانه مصرف آبیان را ۱۵ کیلوگرم اعلان نموده است و برخی کشورهای پیشرفته شیلاتی این رقم را به ۲۶ کیلوگرم (اروپای غربی) و حتی به ۸۰ تا ۹۰ کیلوگرم در سال رسانیده اند (ژاپن) میزان مصرف اعلام شده ۵/۴ تا ۵ کیلوگرمی برای ایران که از منابع مستعدی برخوردار است و به آب های آزاد بین المللی نیز دسترسی دارد، بسیار نازل به نظر می رسد. سواحل جنوبی دریای خزر از امکانات بالقوه وسیعی برای تکثیر و پرورش آبیان برخوردار است. تولیدات پرورشی سه استان جنوبی دریای خزر در حدود سه برابر حجم صید ماهیان کیلکا، استخوانی و خاویاری دریای خزر است. با این وجود بخش تکثیر و پرورش با کمبود نقدینگی رویاروست. صنایع تبدیلی شیلاتی نیز با مشکل نقدینگی مواجهند. نزدیک به ۶۰ درصد صنایع این بخش غیرفعال بوده و ۴۰ درصد دیگر با راندمان بین ۱۰ تا ۵۰ درصد فعالند. ارتباط زیاد با نمک و رطوبت به استهلاک شدیدتر صنایع این بخش می انجامد که هزینه نگهداری تجهیزات را بالا می برد. مهمترین چالش های پیش روی جامعه صیادان به شرح زیر است:

- کاهش ذخایر و منابع یعنی فقر دریا

• آلودگی نفتی و زیست‌محیطی دریاها به خاطر توسعه فعالیت‌های مربوط به نفت و گاز و آلودگی رودخانه‌ها به واسطه پساب‌های صنعتی منجر به مرگ و میر نوزادان آبی

• برداشت بی‌رویه صید به علت توسعه نامتوازن سطح بهره‌برداری و تلاش صید غیرمجاز

• غیراقتصادی شدن فعالیت‌های فعالیت‌های ماهیگیری و به تبع آن کمبود نیروی کار برای استخدام بر روی شناورها به لحاظ کاهش میزان سهم ملوانان از صید

• ناامن شدن صیدگاه‌های دوردست آب‌های بین‌المللی (اقیانوس هند- شرق افریقا) و محدود شدن صیدگاه‌های داخلی به علت توسعه فعالیت‌های دریایی نفت و گاز

• عدم نظارت و مراقبت از صیدگاه و شیوه‌های صید و صدور بی‌رویه مجوز برداشت صید در ابعاد شناورهای مختلف

این مشکلات باعث شده تا ادوات صید و هزینه‌های صیادان به صورت ناموجه و ناموزون افزایش یابد، سرمایه‌گذاری در لنج‌ها و کشتی‌ها با رکود مواجه شده و به علت پایین بودن سطح هزینه و تقسیم اقتصادی سهم درآمد ملوانان در درازمدت، تعداد شناورهای کوچک رشد کند. گرایش به قاچاق سوخت و راهزنی دریایی به وجود آمده و سرمایه‌گذاری مرتبط با صید در صنایع برودتی و عمل‌آوری دچار ورشکستگی شود.

البته مسایل مربوط به حمایت از تولید ملی کشاورزی تنها در عرصه اقتصادی، ساختاری و اجرایی نیست بلکه مسایل فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. در مناطقی از ایران که اهل سنت سکونت دارند به دلیل منع شرعی استفاده از تسهیلات دارای نرخ سود از تسهیلات بانکی استفاده نمی‌کنند. در نتیجه میزان فقر در این مناطق افزایش می‌یابد.

علاوه بر مسایل فرهنگی، آب نیز یکی دیگر از مسایل مشترک در زمینه تولید محصولات کشاورزی محسوب می‌شود. با توجه به ویژگی جغرافیای نیمه‌خشک در ایران، آب منبع تولید کمیاب نسبت به زمین است. استفاده از آب‌های نامناسب در بخش کشاورزی موجب بروز عوارض اقتصادی، فنی و اجتماعی می‌شود؛ پس از مدتی

آبیاری با آب شور، هدایت الکتریکی خاک غیرشور ۲ تا ۱۰ برابر هدایت الکتریکی آب آبیاری شده و افت بهره‌وری، افزایش هزینه تولید، تخریب و استهلاک شدید منصوبات استحصال آب را به دنبال دارد. قانون آب در سال ۱۳۶۱ و آیین‌نامه اجرایی فصل دوم در سال ۱۳۶۳ تصویب شد اما اجرای این قانون به استثنای سرفصل‌های درآمدی به ویژه بند ب ماده ۳۳ در باقی موارد مغفول مانده است به طوری که بیش از ۹۶ هزار حلقه چاه آب غیرمجاز با حجم برداشتی معادل کل بیلان منفی آب‌های زیرزمینی کشور است. روند کاهنده نزولات آسمانی، جریان‌های اقلیمی نامنظم، کاهش محسوس آب‌های سطحی و افت مستمر سطح آب‌های زیرزمینی که خطر شورشدن آب‌ها را به همراه دارد به همراه تراز منفی ۶۷ درصدی آبخوان‌های کشور و عملکرد رو به نقصان میزان تخلیه از واحد چاه که در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۰ حدود ۴۴ درصد کاهش یافته است و به تبع آن نشست زمین و کاهش ضریب تجدیدشوندگی به بحران آب در اقتصاد کشور منجر شده است. در حالی که بیشترین سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر در زمینه آب، سدسازی و آبرسانی بوده است به مسایل داخل مزرعه از نظر روابط آب، خاک، گیاه، سیستم‌های آبیاری و بهره‌وری آب توجه چندانی نشده و حل مساله آبیاری در داخل مزرعه از بزرگترین چالش‌های بخش کشاورزی است. توسعه سیستم‌های آبیاری مدرن از مرز ۱۰ درصد کل اراضی فراتر رفته است. وزارت نیرو مسوول حفظ تعادل بیلان کیفی و کمی آب، اعمال نظر کارشناسی و سرمایه‌گذاری هدفمند در زمینه آب است. با وجود ایجاد سدهای بزرگ، شبکه‌های فرعی زیر سد با دشواری مواجهند و آب تامینی به سطح وسیعی از اراضی زیر سدها نمی‌رسد. در برخی از موارد شاخص شوری آب پشت سد به شدت افزایش یافته و بر روی محیط زیست آثار منفی زیادی به جای می‌گذارد.

### ۳-۱. محصولات غذایی و آشامیدنی (به جز قند و شکر)

در طیف صنایع کشاورزی، دامداری و خدمات وابسته به آنها گروه‌های صنعتی مختلفی فعالیت دارند. **صنعت مرغداری** در طی ربع قرن گذشته با نرخ متوسط ۵/۵ درصد در



سال رشد کرده و ۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. با این وجود این صنعت از رقابت‌پذیری بسیار اندکی در برابر محصولات مشابه خارجی برخوردار بوده و در بازار کشورهای منطقه که ۲۵ درصد گوشت وارداتی دنیا در آن جابجا می‌شود هیچ سهمی ندارد. تولیدکنندگان این صنعت مشکلات آن را در قالب ۴ دسته ساختاری، اقتصادی، مالی و اجرایی فهرست کرده‌اند:

• مشکلات ساختاری

○ انفصال بخش‌های مختلف تولید از یکدیگر و عدم تطابق پراکندگی موجود در صنعت با میزان حجم تولیدات سالانه کشور

○ عدم تطابق مدیریت سنتی با فناوری‌های نو و مسایل مدیریتی حاکم بر صنعت

○ عدم برخورداری تشکل‌های مرعداران از امکانات انبار، سردخانه، کشتارگاه،

سیستم حمل و نقل جوجه و مرغ

○ نبود سیستم مکانیزه اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی برای تنظیم بازار تولید، عرضه

جوجه، مرغ و تامین نهاده

○ انتقال سود به واسطه‌ها به سبب ساختار موجود

○ افزایش هزینه تولید محصول

• مشکلات اقتصادی

○ عدم ثبات در سیاست‌های کلان، پولی و مالی

○ پایین بودن بازده سرمایه‌گذاری

○ عدم ثبات سیاست‌های ارزی

○ عدم حمایت کافی دولت در توسعه و نوسازی فناوری صنعت

○ عدم تناسب در سیاست‌های تعرفه‌ای و تعرفه صفر برای واردات محصول نهایی

○ تورم

○ عدم تنظیم بازار مواد اولیه، وابستگی به واردات و التهاب در بازار

○ نوسانات مداوم تعرفه‌های صادراتی و وارداتی مربوط به مرغ و واکسن



• تامین مالی

- نیاز به سرمایه در گردش بالا و عدم تامین آن توسط سیستم بانکی
- شرایط سخت و فرایند طولانی ارایه تسهیلات بانکی
- کارمزد بالای تسهیلات اعطایی برای نمونه کارمزد تسهیلات صنعت مرغداری در کشور ترکیه برابر ۵ درصد است.

- عدم تامین به موقع و کافی ارز لازم

• مشکلات اجرایی

- ضعف در تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌ها و هدایت سازمان‌های درون صنعت
- مشکلات جدی در تامین نهاده‌ها
- آسیب‌پذیری در پیشگیری از بیماری‌های طیور، ضعف مواجهه و کنترل آنها
- فرایند طولانی اخذ مجوزهای ثبت سفارش و گشایش اعتبار
- رویکرد دولت به اشتغال به جای توسعه کیفیت، کاهش قیمت تمام شده،

صادرات و افزایش بهره‌وری

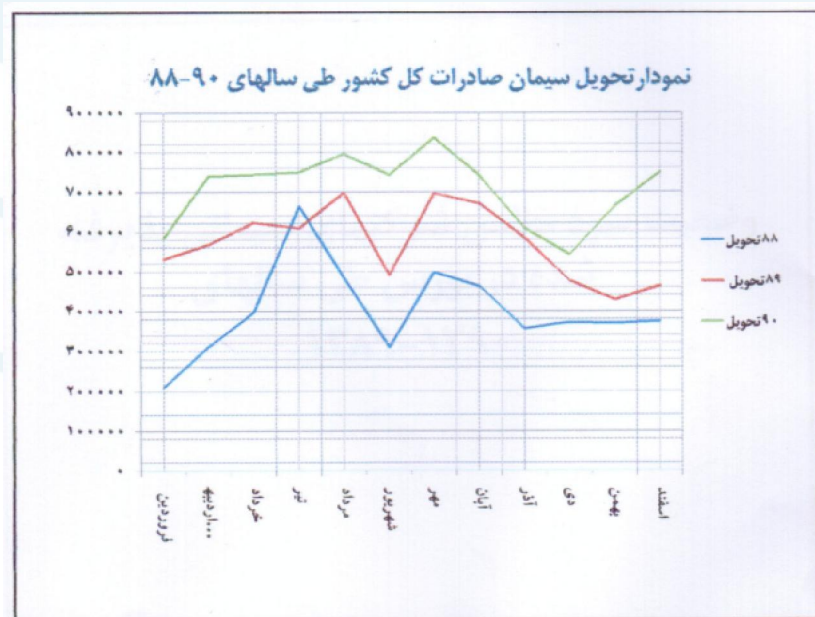
- عدم وجود برنامه حمایتی شفاف از تولید در بخش‌های مختلف صنعت
  - عدم تنظیم بازار برای ذخیره مواد اولیه
  - ناهماهنگی بین متولیان تولید و تنظیم بازار
- علاوه بر این در صنعت مرغداری حاشیه سود پایینی وجود دارد که از دخالت دولت در محیط کسب و کار و قیمت‌گذاری غیرواقعی، فرسودگی ساختمان‌ها، تاسیسات و تجهیزات، وجود واسطه‌های فراوان در بین حلقه‌های تولید، عدم تامین نقدینگی لازم و کافی از طریق سیستم بانکی، بهره‌وری اندک نیروی کار و بالا بودن نرخ تورم.

۴-۱. صنعت سیمان

صنعت سیمان ایران با تولید حدود ۶۶/۵ میلیون تن نزدیک به ۲ درصد از سهم جهانی تولید سیمان را در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۹، صنعت سیمان ایران در رتبه نهم جهان قرار داشت و به دنبال افزایش تولید و بهره‌برداری از برخی از طرح‌های موجود در سال

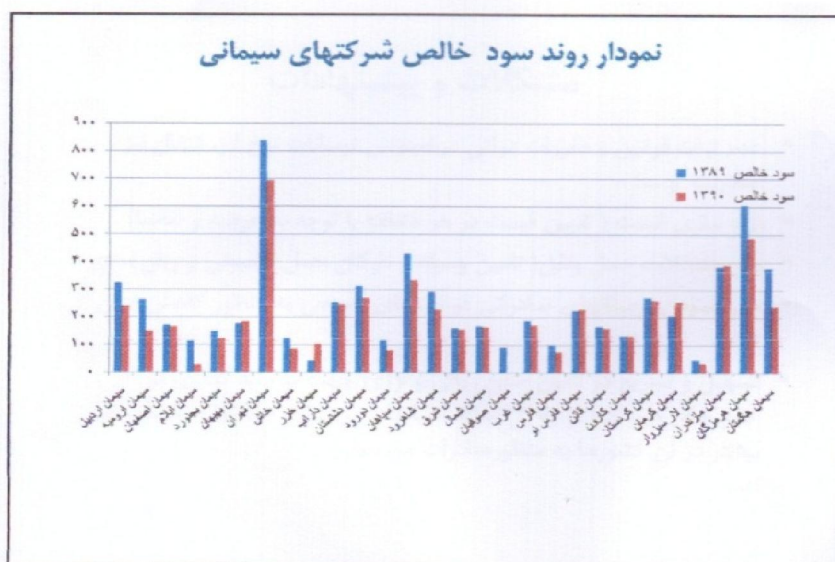
۲۰۱۰ به رتبه پنجم و در سال ۲۰۱۱ به رتبه چهارم جهان ارتقا یافت. مقدار تولید صنعت سیمان در حدود ۰/۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشور است و صنعت سیمان ۲/۵ درصد از ارزش بازار سرمایه را تشکیل می‌دهد. کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، عراق، آذربایجان، ترکمنستان و پاکستان در زمره بازارهای صادراتی مناسب برای ایران هستند. نمودار شماره ۱ به نمایش میزان تحویل سیمان صادرات کل کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۸ اختصاص دارد.

نمودار شماره ۱. میزان تحویل سیمان صادرات کل کشور



شرکت‌های فعال در زمینه سیمان در بورس اوراق بهادار نیز عملکرد نسبتاً مناسبی داشته‌اند. نمودار شماره ۲، روند سود خالص شرکت‌های سیمانی بورسی در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ را نمایش می‌دهد.

نمودار شماره ۲. روند سود خالص شرکتهای سیمانی بوری



رنگ آبی برای سال ۱۳۸۹ و رنگ قرمز برای سال ۱۳۹۰ است.

در مجموع تولیدکنندگان صنعت سیمان موارد زیر را به عنوان مشکلات اصلی خود فهرست کرده‌اند:

- عدم ثبات قوانین و مقررات دولتی در خصوص نوسانات نرخ ارز، انتقال ارز و صادرات
- حمل و نقل و ترمینال صادراتی

۵-۱. صنایع خودرو و ساخت قطعات

صنعت خودروی ایران در سال ۱۳۴۸ پایه‌گذاری شد. فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ با ویژگی حمایت ناتمام از صنعت خودرو شناخته می‌شود. در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ این صنعت برای بقا تلاش می‌کرد و در طی سال‌های ۱۳۷۳ به بعد نیز تولید صنعت خودرو با تاکید بر استراتژی جایگزینی واردات تا سال ۱۳۸۲ و استراتژی توسعه صادرات از سال ۱۳۸۳ از سر گرفته شد. از سال ۱۳۷۳ شرکت‌های طراحی مهندسی و

تامین قطعات خودرو ایجاد شدند، ظرفیت‌های خالی سایر صنایع کشور برای توسعه صنعت قطعه و مجموعه‌سازی به کار رفت، توان طراحی خودرو و قطعات آن گسترش یافت. می‌توان توسعه صنعت خودروی ایران را در قالب ۶ مرحله مونتاژ، ایجاد پایگاه‌های ساخت قطعات، تولید انبوه، ایجاد پایگاه‌های طراحی و توسعه (R&D) قطعات، مجموعه‌ها و خودروها، طراحی و ساخت خودروهای جدید و نوسازی شبکه قطعه‌سازی و ایجاد پایگاه‌های صادراتی و طراحی و ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز خطوط تولید خلاصه کرد. صنعت خودروی ایران علاوه بر وجود بازار بالقوه بزرگ خارجی از بازار داخلی بزرگی نیز برخوردار است؛ سالانه بیش از یک میلیون تقاضا برای خودرو وجود دارد، جمعیت جوان به افزایش تقاضا در آینده می‌انجامد (۷۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال) و سرانه مالکیت خودرو در ایران در مقایسه با دیگر کشورها اندک است. با این وجود در صنعت خودرو نیز به مانند دیگر صنایع، بهره‌وری اندک مهمترین چالش افزایش رقابت‌پذیری به شمار می‌رود. از طرف دیگر در طی سال‌های اخیر صنایع خودرو در بازارهای خارجی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که عمدتاً از ریسک عملیاتی پایین اما ریسک سیاسی بالا (افریقا، سوریه و از این دست) برخوردارند و مسایل سیاسی به تغییرات گسترده در آنها می‌انجامد. تشدید شکاف فناوری داخلی و خارجی، کاهش نرخ تعرفه و افزایش واردات خودرو از جمله مهمترین مشکلات صنعت خودرو و کمبود نقدینگی واحدهای قطعه‌ساز برای انجام امور جاری (خرید مواد اولیه و تجهیزات، پرداخت حقوق و ...) به دلیل عدم پرداخت به موقع مطالبات از سوی شرکت‌های خودروسازی، دشواری زیاد تامین تسهیلات از سوی بانکها، خرید خارجی به صورت حواله‌ای و خرید داخلی به صورت نقدی و الزام بانکها به ۳۵ تا ۱۲۰ درصد مبلغ خرید برای گشایش اعتبار، قیمت‌گذاری خودرو و قطعات خودرو از سوی دولت، تمایل مسوولان برای افزایش واردات خودرو و قطعات برای کنترل نقدینگی در کشور، مشکلات فرهنگی و اجتماعی ناشی از بدبینی عمومی به تولیدکنندگان داخلی نیز مشکلاتی است که تولیدکنندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو عنوان داشته‌اند.

#### ۶-۱. جمع‌بندی وضعیت تولید ملی از دید تولیدکنندگان

مسایل مطرح شده از طرف تولیدکنندگان بخش‌های صنایع و کشاورزی در چند سطح قابل تقسیم‌بندی است؛ سطح محیط سیستم پیرامون تولیدکنندگان، سطح مسایل پایدار تاریخی یا وابسته به مسیر تاریخی و سطح خرد. در واقع سطح اول معرف محیط سیاست‌گذاری اقتصادی و تاثیر خرده‌سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر وضعیت تولید ملی است. سطح دوم، سطح توسعه را نشان می‌دهد و سطح خرد تا حد بسیار زیادی به توانایی خود تولیدکنندگان باز می‌گردد. در رابطه با سطح اول که می‌توان آن را سطح کلان اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-فرهنگی در نظر گرفت، مسایل مربوط به قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، دشواری تهیه تسهیلات بانکی، پیامدهای تحریم ناظر بر برنامه هسته‌ای کشور، سهولت واردات محصول نهایی مشابه در عین محدودیت واردات نهاده و مواد اولیه لازم برای تولید، قاچاق گسترده کالا، عدم ثبات قوانین، تقسیم ناگزیر اراضی بر اساس قانون ارث و اثر نامطلوب آن برای مکانیزاسیون، ناهماهنگی بین بخش تولید و تنظیم بازار، دیدگاه عمومی نامناسب نسبت به محصول داخلی، مشکلات اعتبار اسنادی و واردات موازی، ضعف تشکله‌ها و اتحادیه‌ها از جمله مهمترین چالش‌های حمایت از کار، تولید و سرمایه ایرانی هستند که در بین نظرات تولیدکنندگان به صورت مشترک به چشم می‌خورند. علاوه بر این تولیدکنندگان بخش کشاورزی نیز آب و کوچک بودن اراضی که مانع مکانیزاسیون می‌شود را به عنوان مشکلات اختصاصی بخش کشاورزی عنوان نموده‌اند. از دیدگاه تولیدکنندگان پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، موارد حمایتی پیش‌بینی شده از تولید موجب تشدید روند تورم و هزینه‌های تولیدات صنعتی و کشاورزی شد. در نتیجه این تحولات و به وجود آمدن شرکت‌های صوری به قصد انتفاع از بودجه‌های تخصیصی، اعتماد کارآفرینان سلب شده و شرایط رکودی بر سرمایه‌گذاری حاکم گشت. حدود ۱۶ هزار واحد صنعتی و معدنی در استان تهران به حالت تعطیل و نیمه‌تعطیل درآمده‌اند و این وضعیت نشان می‌دهد که صرف پرداخت تسهیلات مالی توسط بانک‌های دولت موجب

افزایش سریع تولید و اشتغال نمی‌شود. از نظر فنی، با وجود الزام سیاست‌های اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی به گسترش حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، دستکاری قیمت‌ها به شکلی ساختاری و بلندمدت توسط دولت انجام می‌شود ولی دولت هرگز بخشی از این فرایند را به بخش خصوصی واگذار نمی‌کند تا بتواند با قیمت‌های رقابتی کالاهای مشمول لایحه را به مردم عرضه کند. نکته دیگر درباره ناسازگاری بیرونی قانون هدفمندی یارانه‌ها به کارایی پایین تولید به ویژه در تولید اساسی‌ترین کالاها در ایران باز می‌گردد. این کارایی پایین به افت قدرت رقابت ایران در سطح بین‌المللی انجامیده است. از این روی وقتی قیمت نهاده‌های اصلی تولید نیز افزایش می‌یابد تولیدکنندگان داخلی به صورت مضاعفی توان تولیدی و رقابتی خود را از دست می‌دهند. چسبیده کردن قیمت‌ها نیز باعث شد تا سیستم علامت‌دهی در اقتصاد ایران با اختلال مواجه شود. از منظر سیاست‌های معطوف به نرخ ارز و پول و بانک نیز تضعیف مستمر پول ملی باعث شد تا تولیدکنندگان در تله پارادوکس نقدینگی یعنی نقدینگی بسیار زیاد در جامعه اما عدم امکان دسترسی به نقدینه لازم برای واردات مواد اولیه گرفتار آیند. در واقع تا هنگامی که ظرفیت جذب بالا نباشد نمی‌توان با کاهش ارزش پول ملی صادرات را به لحاظ کمی و کیفی توسعه داد. از منظر تئوری متعارف اقتصادی اگر نرخ اسمی ارز متناسب با میزان تورم تعدیل نشود، نرخ واقعی ارز کاهش و کسری حساب جاری افزایش می‌یابد. اما طبق شرط مارشال - لرنر اثرگذاری سیاست کاهش ارزش پول ملی منوط به کشش پذیر بودن واردات و صادرات نسبت به تغییرات نرخ ارز اسمی ارز است؛ منوط به این است که مجموع کشش‌های صادرات و واردات بیش از رقم یک باشد. اگر به دلیل وابستگی خط تولید به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، واردات کم‌کشش باشد و صادرات نیز به دلیل ظرفیت‌های تولیدی ضعیف، کشش پذیری لازم را نداشته باشد سیاست کاهش ارزش پول ملی نمی‌تواند در کاهش کسری حساب جاری اثرگذاری لازم را داشته باشد. چنانچه شاخص‌بندی نرخ ارز و قیمت کالاها و خدمات و دستمزدها به دلیل تورم ساختاری و مزمن بالا باشد در این



صورت این سیاست در زمانی کوتاه موجب افزایش تورم داخلی می‌شود و با فرض ثبات قیمت کالاهای وارداتی موجب کاهش نرخ واقعی ارز می‌شود. عدم صدق شرط مذکور و شاخص بندی مذکور که تا حدی تحت تاثیر انتظارات تورمی هم می‌تواند باشد ریشه در ظرفیت جذب پایین سرمایه دارد. ظرفیت جذب در طول زمان شکل می‌گیرد و به صورت عامل اساسی و زیرساختی تحولات بخش واقعی اقتصاد و تحولات فناورانه ظاهر می‌شود. بنابراین اگر اقتصادی در گذشته در ارتقای ظرفیت جذب سرمایه خوب عمل نکرده باشد نمی‌تواند با توسل به یک سیاست پولی آثار منفی این کم‌کاری در گذشته تاریخی را یک شبه جبران کند. از منظر تولیدکنندگان عدم ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی و همسویی سیاست‌های اجرایی با رویه‌های علمی تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری در صنعت، عدم توجه جدی به اعمال سیاست‌های بهسازی فضای کسب و کار، عدم حمایت صریح از سرمایه‌گذار، کارآفرین در بخش خصوصی و عدم پایش نظام اداری سالم و کارآمد در خدمت بهبود فضای کسب و کار بخش خصوصی از مهمترین موارد کلانی است که به احساس ناامنی تولیدکنندگان دامن زده است.

سطح مسایل پایدار تاریخی یا وابستگی به مسیر تاریخی را می‌توان در قالب سطح توسعه در نظر گرفت. نگاهی به مسایل اقتصاد ایران در طی دو سده گذشته نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات تولید به صورت مزمن وجود داشته و در برهه‌هایی نیز شکل حادثتری به خود گرفته‌اند. تشدید این مشکلات نیز از رویکرد بلندمدت دولت‌ها سرچشمه می‌گرفته است. احمد اشرف (۱۳۵۹)، محمدعلی جمالزاده (۱۳۷۶)، احمد سیف (۱۳۷۳)، همایون کاتوزیان (۱۳۶۷) و حسین عظیمی (۱۳۷۱) از جمله صاحب‌نظران مسائل اقتصاد ایران هستند که بسیاری از مسایل پیش‌گفته از زبان تولیدکنندگان به ویژه درباره سیاست حمایتی دولت، بی‌ثباتی فضای کلان، مسایل نرخ ارز، دشواری واردات مواد اولیه و واردات محصولات مشابه خارجی را به عنوان مشکلات اساسی تولید برشمرده‌اند. از منظر مسایل توسعه ایران، بیماری هلندی یکی از مهمترین عارضه‌های تاریخی تولید به شمار می‌رود. بیماری هلندی زمانی به وجود می‌آید که

قیمت یک دارایی دارای بهره مالکانه به صورت برونزا افزایش یابد. در صورتی که پول حاصل از این افزایش شدید قیمت بدون وجود بستر ظرفیت جذب به اقتصاد تزریق شود باعث افزایش پایه پولی و در نتیجه افزایش تقاضای کل خواهد شد. در کوتاه‌مدت عرضه نمی‌توان افزایش تقاضا را پاسخ گوید و از این روی سطح قیمت‌ها بالا می‌رود. افزایش سطح قیمت‌ها باعث افت ارزش پول ملی و در نتیجه کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی به کالاهای مشابه داخلی خواهد شد. بنابراین واردات کالاهای قابل مبادله به شدت افزایش یافته و کالاهای غیرقابل مبادله مانند زمین که مشمول افزایش ارزش به واسطه تورم هستند مورد تقاضای بیشتری قرار می‌گیرند تا افراد بتوانند قدرت خرید و ثروت خود را در شرایط تورمی حفظ کرده یا افزایش دهند. بدین ترتیب در بلندمدت ترکیب تولید ملی به نفع کالاهای وارداتی مشابه تغییر کرده و التهاب کاذب در بازار دارایی‌های حامل بار تورم مانند زمین، طلا، دلار و پیکان (در دهه ۷۰) به وجود می‌آید. اما به عنوان مهمترین رویکرد وابستگی به مسیر تاریخی که در کنار عوارض بیماری هلندی مشاهده شد انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بود. در حالی که مهمترین تحول در نظام اقتصادی ایران در قالب اجرای سیاست‌های اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی در دستور کار دولت قرار داشت، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در حال اجرا بوده و رژیم تجاری ایران برای عضویت در سازمان جهانی تجارت در حال تدوین بود. اگرچه سعی در تعطیلی سازمان ریزی در تجربه نیم قرن برنامه ریزی توسعه در ایران وجود داشته است، اما این بار این تلاش به انحلال کامل سازمان انجامید. محمد یگانه (۱۳۸۴) رئیس بانک مرکزی در اواخر دوره پهلوی در خاطرات خود بیان می‌کند که هنگام وقوع شوک اول نفتی در سال ۱۳۵۴ خورشیدی، دولت وقت سعی در تعطیلی و حداقل سازی نقش سازمان برنامه وقت داشت اما بدنه کارشناسی سازمان برنامه چنین رویه‌ای را بر نتافت. در شرایط کنونی کشور با دو پدیده اساسی جوانی جمعیت از یک طرف و جهانی شدن اقتصاد از طرف دیگر مواجه است. مسائل اقتصادی و سیاسی به میزان زیادی حول این دو پدیده شکل



گرفته‌اند. مساله اشتغال، مسکن، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ناظر بر پدیده درونی و مسائل مربوط به رژیم تجاری، خصوصی سازی، سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و انرژی هسته‌ای ملحم از پدیده برونی هستند. در چنین شرایطی علاوه بر نیاز به تدبیر مهندسی اجتماعی سرمایه‌ها بی نظیر سرمایه انسانی و پتانسیل نهفته در وجود آنها و تبدیل این سرمایه به ثروت در جهت افزایش رفاه عموم جامعه در بلندمدت لازم است فرآیند ادغام با فرآیند جهانی شدن و تعامل فعال با سازمان جهانی تجارت به خوبی مدیریت شود. در زمینه‌سازی برای ورود فعالان بخش خصوصی به اقتصاد دولت نقش تعیین کننده‌ای در تنظیم مقررات و نظارت بر تعامل بازیگران دارد و تعطیلی سازمان‌های برنامه‌ریزی تنها به آنارشیسم اقتصادی کمک می‌کند. در واقع سوای مساله تحریم اقتصادی، بخش زیادی از مشکلات کنونی تولید ملی از روند بدون ضابطه تزیق درآمدهای سرشار نفتی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ در بخش‌های مختلف کشور نشات می‌گیرد که بدون توجه به ظرفیت جذب صورت گرفت و باعث شد تا عوارض بیماری هلندی به بروز تورم لجام گسیخته و بحران در تولید ملی بیانجامد. بنابراین از منظر مسایل توسعه، پایبندی دولت به وظایف کلاسیک اقتصادی و اتخاذ رویکرد ناظم عرصه فعالیت‌های اقتصادی برای اجرای قواعد اقتصادی و نظارت بر تعامل بین بخش‌های مختلف باعث می‌شود تا از بسیاری از سردرگمی‌های موجود در عرصه عارضه‌یابی مسایل تولید و تمرکز بر روی علل میانی به جای علل اصلی اجتناب شود.

با وجود مسایل بالا در سطح توسعه و کلان، مسایل سطح خرد که توسط تولیدکنندگان عنوان شده است تا حدی زیادی به مدیریت خود آنها مربوط می‌شود. به عنوان یک معضل تاریخی دیگر، تولیدکنندگان و دیگر افراد جامعه ایرانی انتظار دارند تا دولت تمامی مشکلات آنها در هر سطحی را حل کند. البته چنین نگرشی از وابستگی آنها به رانت درآمد نفت و روند تاریخی حضور پررنگ دولت‌ها در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی نیز ناشی می‌شود. چنین عارضه‌ای باعث شده تا تولیدکنندگان از پویایی لازم برای ارتقا شرایط بنگاه‌های خود برخوردار نشده و در هر سطحی وابسته به

دولت باشند. بدین سان چالش‌هایی به مانند ناآگاهی نسبت به دانش روز روش‌های کشاورزی، بهره‌وری اندک و ناهماهنگی بین حلقه‌های مختلف زنجیره تامین در صنایع نیز از مهمترین مشکلات سطح خرد تولید ملی هستند که تولیدکنندگان از قدرت نسبتاً لازم برای مواجهه با آنها برخوردارند اما آنها را به عنوان مشکلاتی مطرح می‌کنند که نیاز به دخالت دولت دارد. آگاهی به دانش روز روش‌های تولید صنعتی یا کشاورزی، روش‌های تامین مالی پروژه‌های اقتصادی و مواردی از این دست به همت خود تولیدکنندگان وابسته است. اگرچه روند تورم به ویژه در صورت عدم تطبیق دستمزد و تورم بر انگیزه نیروی کار به تبع آن بهره‌وری اثر نامطلوبی دارد اما بخش زیادی از بهره‌وری اندک نیز از مسایل فرهنگی و سازمان تولید در کشور ارتباط دارد.

## ۲. سناریوهای محتمل در انتظار تولید ملی

با توجه به چالش‌های مطرح شده توسط تولیدکنندگان بخش‌های صنعت و کشاورزی این سوال مطرح می‌شود که در صورت ثبات شرایط حاکم بر اقتصاد ایران چه سناریوهایی در رابطه با تولید ملی محتمل خواهند بود. ترسیم این سناریوها به شناسایی مسایل مشترک تولیدکنندگان در سه سطح توسعه، کلان و خرد نیاز دارد. این مسایل در قالب آثار ادامه روند متغیرهای کلیدی، سیاست‌های اقتصادی، روندهای تاریخی و متغیرهای درون رشته‌فعالیت قابل تقسیم‌بندی هستند. سناریوهای محتمل تولید ملی در قالب جدول ۱ و به صورت تناظر موارد منجر به آثار نامطلوب در سطرها و ستونها به صورت نمایش نتیجه ادامه روند در سلولهای متناظر به تصویر درآمده‌اند.

جدول ۱. سناریوهای محتمل تولید ملی بر اساس نظر تولیدکنندگان

سطح توسعه	سطح کلان	سطح خرد	سطح توسعه	سطح کلان	سطح خرد		
بیماری هلندی، عدم توجه به انباشته سرمایه انسانی	هدفمندسازی یارانه‌ها، عدم امنیت اقتصادی، دشواری تسهیلات بانکی، تحریک انتظارات تورمی	مدیریت وابسته به دولت	توجه به کاهش هزینه مبادله و امنیت اقتصادی	رویه ثبات‌گرا، سیاستی، برخورداری از استراتژی و برنامه مشخص، بلندمدت، پایبندی به قوانین و انضباط مالی به ویژه در بودجه	مدیریت مستقل از دولت و مبتنی بر کارآفرینی		اکبر
متغیرهای کلیدی	افزایش نرخ ارز، عدم ظرفیت جذب، تورم مهارنشده، چسبندگی قیمت‌های مربوط به قانون هدفمندی یارانه، بی‌توجهی به منابع آبی	کاهش نرخ ارز (تقویت پول ملی)، افزایش ظرفیت جذب، انعطاف قیمت‌ها، توسعه منابع آبی					
سیاست‌ها	تحریک انتظارات تورمی، دخالت در مسایل عرضه و تقاضا به جای تنظیم، چرخش مداوم سیاستی	کنترل انتظارات تورمی و مهار تورم، توجه به ثبات فضای کلان، حضور به عنوان ناظر و ناظم اجرای قراردادها نه بازیگر					آنگاه
یونهای تاریخی	واردات بی‌رویه محصولات مشابه و قاچاق، حضور بازیگران شبه دولتی و نظامی در اقتصاد	کنترل واردات و قاچاق، حذف بازیگر نظامی از عرصه اقتصاد					
متغیرهای «یون صنعت»	دانش پایین، بهره‌وری اندک، ضعف تشکلهای	دانش بالا، بهره‌وری بالا، تلاش برای تقویت تشکلهای تولید					
سناریوهای محتمل	گرفتاری تولیدکنندگان در پارادوکس نقدینگی، کاهش شدید تولید، مهاجرت سرمایه انسانی و ایجاد التهاب متناوب مجدد در بازار دارایی‌های بادوام، افت شدید تولید کشاورزی، بحران زیست محیطی به مانند دریاچه ارومیه	افزایش توانمندی تولیدکنندگان برای واردات مواد اولیه، افزایش تولید و صادرات، افزایش تولید بخش کشاورزی					

دو سناریوی محتمل بالا مربوط به هر دو بخش کشاورزی و صنعت هستند. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی در شرایطی که بین سه سطح خرد، کلان و توسعه سازگاری بوده و متغیرهای کلیدی در جهتی منجر به کاهش هزینه مبادله و تولید هدایت شوند محقق خواهد شد. چنانچه شرایط موجود ادامه یابد، گذشته از نتیجه چالش برنامه هسته‌ای کشور، بسیاری از تولیدکنندگان به شرایط تولید معیشتی در قالب واحدهای کوچک روی می‌آورند و بخش زیادی از فعالیت تولیدی بنگاه‌های متوسط نیز تعطیل خواهد شد. این وضعیت به معنای گرفتاری در رکود تورمی است که

تولید داخلی را از بین می‌برد. در واقع به علت شرایط خاص اقتصاد ایران از منظر دوگانگی شرایط بین صادرکنندگان و واردکنندگان با تولیدکنندگان اصلی که از امکان استفاده گروه اول از دو کشور برای فعالیت اقتصادی ناشی می‌شود باعث شده تا گروه تولیدکننده در فشاری مضاعف قرار گیرند. پیش از سال ۲۰۱۲ بسیاری از گروه‌های صادر-وارد کننده در کشور امارات متحده عربی فعالیت داشتند و پس از تشدید تحریم‌ها لنگرگاه‌های خود را به کشورهای ترکیه و روسیه انتقال دادند. از این روی بیشترین فشار به تولید از تضاد منافع این گروه با تولیدکنندگان به وجود می‌آید. وجود سازمان‌های موازی دولت که در مقیاس گسترده به امر صادرات و واردات اشتغال دارند نیز باعث تشدید این دوگانگی و تضاد شده است. در بخش کشاورزی نیز دشواری کوچک بودن اراضی به عنوان مانع مکانیزاسیون و چالش ناشی از مساله آب مهمترین متغیری است که در چارچوب سناریویی بدبینانه استمرار وضعیت سردرگم کشاورزان بین کاربری‌های مختلف زمین را محتمل می‌سازد. در سالهای گذشته از درآمد نفت به درستی برای توسعه کشاورزی مدرن و مهار آب‌های طبیعی استفاده نشد. همچنین در سال‌های گذشته در بخش کشاورزی تامین زیرساخت‌ها، یکپارچه کردن اراضی و اجرای قانون جلوگیری از تقسیم شدن زمین‌های کشاورزی با توجه به افزایش درآمد کشور موقعیت طلایی داشتیم که دولت به آن توجه نکرد.

### ۳. سناریوی مطلوب برای حمایت از تولید ملی

تنظیم بازار به واسطه عدم تحقق شرایط لازم برای میل به سمت بهینه پرتو موضوعیت پیدا می‌کند. طبق فرض، بازار رقابتی توانایی پیشینه کردن رفاه مردم بوسیله کاهش قیمت‌ها و هزینه‌ها و افزایش محتوای سبد انتخاب را دارا است. ولی این نتایج مبتنی بر فرضی مانند اطلاعات کامل مشتری، تکنولوژی تولید با نرخ بهره‌برداری نزولی، حضور رقبای کافی در بازار و البته عدم وجود پیامد خارجی در بازار است. با تامین چنین فرض‌هایی، در بازار کاملاً رقابتی هزینه نهایی تولید برابر قیمت کالا می‌شود و رفاه جامعه با کاهش قیمت‌ها و هزینه‌ها تامین می‌شود. در دنیای واقعی چنین فرض‌هایی به

طور کامل تحقق نیافته‌اند و سامان بازار به نیروی بیرون از آن سپرده شده است. البته میزان دخالت این نیرو با میزان فاصله ساختار بازار و نوع موانع ورود به آن با شرایط بهینه پرتو و رقابت کامل رابطه مستقیم دارد.

فاصله کیفیت بازارها با شرایط منجر به بهینه پرتو از دو بعد کارایی و توزیع خود را نمایان می‌سازد. قید کارایی به شرایط رقابتی و امکان کاهش هزینه‌ها یا معرفی تکنولوژی برتر و قید توزیع به عدالت اجتماعی که به طور نسبی با شرط دوم بهینه پرتو و رفاه مصرف‌کننده ارتباط دارد.

کارایی در سه شکل زیر رخ می‌نماید:

۱- فنی یا تخصیصی یا ایستا: استفاده بهینه از عوامل و تکنولوژی موجود تولید در دوره ای مشخص.

۲- کارایی پویا: توانایی سیستم اقتصادی برای ایجاد تحول و بهبود در تکنولوژی منجر به کاهش هزینه و افزایش کیفیت محصولات یا تولید کالاهای جدید.

۳- کارایی X: توانایی سیستم در افزایش بازدهی هر تکنولوژی معین از طریق تغییرات سازمانی تشویق‌کننده، افزایش انگیزه‌های مدیران و کارکنان، بهبود فرایند تصمیم‌گیری، اخراج، مزایا، تخصیص لوازم و فضا.

به این ترتیب نیروی بیرون از بازار ابزاری به کار می‌برد تا از یک طرف با کاهش هزینه مبادله و گسترش شفافیت اطلاعات و افزایش میزان رقابت، بستر افزایش کارایی را فراهم آورد و از طرف دیگر با کنترل قیمت‌گذاری انحصارگران یا تعیین استانداردهای محصول یا پیگیری تحقق توافق سطح آرایه خدمات (SLA)، اعطای یارانه و دیگر سیاست‌ها به بهبود مساله توزیع و رفاه مصرف‌کننده نیز کمک کند. نظریات مربوط به نقش ساماندهی دولت در اقتصاد، ترتیبات دخالت دولت را در جبران شکست بازار بیان می‌کنند، در کنار اینها نظریات دیگری شکست بازار را از دید هزینه مبادله (نهادگرایان) نگریسته‌اند و بنگاه را به عنوان نهاد دیگری در کنار دولت برای جبران شکست‌های بازاری دانسته‌اند. در مورد شکست نابازار نئوکلاسیک‌های جدید (نظریه انتظارات

عقلانی، نظریه انتخاب عمومی و مکتب اتریشی) تئوری های اقتصاد کلان شکست دولت در ایجاد پایداری اقتصادی فراهم آورده‌اند. در واقع هم شکست بازار و شکست نابازار را می‌توان ناشی از هزینه مبادله ویژه ای که مربوط به بازار یا نابازار است، دانست (رنانی، ۱۳۷۴: ۱۶۱-۱۲۳). جدول ۲، خلاصه‌ای از مفاهیم اصلی نظریه تنظیم اقتصادی را به تصویر می‌کشد:

جدول ۲. خلاصه‌ای از مفاهیم اصلی نظریه تنظیم اقتصادی

نوع شکست	اثرگذاری بر بهینه پرتو	حوزه اقدام
توزیع درآمد و عدالت	بدتر شدن وضعیت یک گروه به ازای بهبود وضعیت گروهی دیگر	سیاست‌های توزیعی اعطای یارانه یا مالیات‌ستانی، اعمال سیاست‌های قیمتی همچون سقف یا کف قیمت
پیامدهای خارجی	امکان ارتقای رفاه در صورت بسط پیامدهای خارجی مثبت و عکس این قضیه در صورت وجود پیامدهای خارجی منفی	سیاست‌های مالیات‌ستانی یا اعطای یارانه یا سیاست‌های مربوط به محدودیت فعالیت یا مکان‌یابی صنعتی
کالاهای عمومی	عدم انگیزه بخش خصوصی برای تولید این کالاها، نابسامانی برخی مبادلات به خاطر فقدان این کالاها	تولید کالاهای عمومی توسط دولت
انحصار	دوری از بهینه پرتو به دلیل تحمیل کالای کمتر با قیمت بالاتر	کنترل انحصارگر با ابزارهای سیاست مالیاتی یا الزام قانون یا کاهش موانع ورود رقبا به بازار
هزینه مبادله	توقف برخی مبادلات، افزایش ناطمینانی در بازار و دوری از پتانسیل واقعی تحقق مبادلات و رشد و توسعه لازم	شفافیت اطلاعاتی، تضمین اجرای قراردادهای و حقوق مالکیت

از این منظر دولت باید در ابتدا به شناسایی موارد نابسامانی پرداخته سپس ابزار سیاستی مناسب را اتخاذ کند. در کشورهای توسعه یافته، نظام‌های قضایی کارآمد، مجموعه کاملاً مشخص قانونی و کارگزارانی از قبیل وکلا، داوران و میانجیگران را شامل می‌شود و فاعلان اقتصادی تا حدی اطمینان دارند ماهیت دعوی حقوقی و نه منافع شخصی بر نتایج تاثیر دارد. در اقتصادهای جهان سومی اجرا نه فقط به علت ابهام آموزه‌های حقوقی در قالب هزینه سنجش، بلکه به علت نامعلوم بودن رفتار کارگزاران قطعی نیست. چارچوب نهادی اقتصادهای جهان سوم به هزینه‌های بالای مبادلاتی می‌

انجامد و ناامنی حقوق مالکیت به استفاده از دانش فنی منجر می‌شود که سرمایه ثابت در آنها کمتر استفاده شده و مستلزم عقد قراردادهای بلندمدت نیست.

سرمایه های کلان به جزایر امن در خارج از مرزها منتقل می شوند و به غیر از بنگاه های تحت حمایت یا مدیریت دولت، بنگاه های خصوصی کوچک هستند. علاوه بر این مسائل پیش پا افتاده یی از قبیل ناتوانی در تامین قطعات یدکی به سازماندهی تولیدی متفاوتی با کشورهای پیشرفته منجر خواهد شد. وانگهی، چارچوب نهادی مسیر کسب دانش و مهارت را تعیین می کند و این مسیر عامل تعیین کننده توسعه بلندمدت آن جامعه خواهد بود.

اگر تولیدکننده در دانشی سرمایه گذاری کند که بهره‌وری نهاده های سرمایه انسانی یا مادی را افزایش دهد یا دانش ضمنی کارآفرینان را بهبود بخشد آنگاه این افزایش بهره‌وری با رشد اقتصادی نیز همراه خواهد شد. نوع دانش با ساختار حقوق مالکیت ارتباط تنگاتنگی دارد. به عبارت دیگر دولت‌ها با تعیین ساختار حقوق مالکیت مسیر کسب دانش را تحت تاثیر قرار می دهند. به منظور حل مسائل پیش گفته، لازم است گونه‌ای از ساختار اقتصادی شکل گیرد که عملکرد آن کارا تر باشد، بنابراین با توجه به سطح و پیشرفتگی نهادها و ساختار حقوق مالکیت سطوح متفاوتی از مداخله و حضور دولت در اقتصاد ضروری خواهد بود. اطلاع رسانی، ایجاد انگیزه و توزیع درآمدها بین عوامل سه نقش اصلی بازار هستند. بازار با مکانیسم قیمت و نیز فراهم آوردن زمینه ابداع ناهماهنگی را از بین می برد و یا در صورت لزوم تحت فرآیندی به نام انطباق، نهادهای جدیدی، مثل پول، مستقر می کند. مکانیسم بازار با فرآیند غیرمتمرکز، توزیع برابر قدرت چانه‌زنی و انباشت ثروت و قدرت بهتر کار می کند. بازار از طریق فرآیند خود انطباقی بسیاری از هزینه های تحول و تغییر گسترده را صرفه جویی می کند و پتانسیل عظیمی برای به کار انداختن فرآیندهای انطباق به وجود می آورد، البته موفقیت یا شکست مکانیسم بازار را نباید با موفقیت یا شکست نظام بازار یکسان انگاشت.



#### ۴. راهبردها و راهکارهای حمایت از تولید ملی از منظر تولیدکنندگان

تولیدکنندگان بخش‌های کشاورزی و صنعت برای پایداری و بالندگی تولید ملی دیدگاه‌های مختلف اما همگرایی دارند. از دید فعالان صنعت نساجی، نساجی و پوشاک نیازمند ترویج برند، معافیت بیمه، مالیات و عوارض، توسعه صادرات، تامین مالی ارزان، حفاظت بازار داخلی در برابر واردات، افزایش بهره‌وری و تسهیل دسترسی به مواد اولیه است. ورود مواد اولیه با نرخ ارز مرجع انجام گرفته و تعرفه واردات آن کاهش یابد. تخصیص ارز مرجع به واحدهای واجد شرایط نیز با کمترین سرعت و بوروکراسی انجام پذیرد. نرخ سود تسهیلات بانکی برای واحدهای تولیدی تک رقمی شود.

از دید تولیدکنندگان پنبه لازم است تا سهم کشت پنبه در ۱۷ استان مستعد کشت آن مشخص شده و امور اجرایی پنبه به همراه امکانات موجود از قبیل انبارها و کارخانجات کرک زدایی به تعاونی‌ها و اتحادیه آنها واگذار شود. صنایع نساجی در خرید محصول همکاری و مشارکت جدی با اتحادیه پنبه کاران داشته باشند تا ضمن حذف واسطه‌ها، مشکل وجود الیاف غریبه نیز حل شود. کارخانجات پنبه پاک‌کنی تحت نظارت باشند تا هر ساله پس از پایان دوره بهره‌برداری نسبت به تعمیرات لازم اقدام کنند. و در نهایت رقم‌بندی پنبه به اتحادیه پنبه کاران واگذار شود تا صنایع نساجی از خرید خود اطمینان یافته و اتحادیه مسوول نارسایی و جبران خسارت باشد.

تولیدکنندگان چغندر، جلوگیری از واردات شکر، نوسازی ماشین‌آلات کارخانجات قند، سرمایه‌گذاری برای آموزش بهره‌برداران چغندر، حمایت و سرمایه‌گذاری از تولید مکانیزاسیون چغندر، کمک دولت برای به کارگیری سیستم‌های آبیاری تحت فشار (قطره‌ای- بارانی)، سرمایه‌گذاری برای کشت در اراضی بزرگ و برنامه‌ریزی برای کشت پاییز برای صرفه‌جویی در مصرف آب را برای حمایت از تولید ملی در این زمینه ضروری دانسته‌اند.

باغداران پیشنهاد می‌کنند که برای حمایت از تولید در این رشته‌فعالیت، تامین منابع سرمایه‌گذاری برای بهسازی و نوسازی با شیوه پرداخت سریع و آسان در عین



احتساب دوره تنفس طولانی توسط صندوق مادر تخصصی حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای احداث مجتمع‌های فرآوری، بسته‌بندی و نگهداری و صدور محصولات باغی برای کاهش ضایعات، انتقال مناسب یافته‌های تحقیقاتی، نظارت دقیق و مستمر بر کیفیت نهاده‌های کشاورزی و ایجاد اطمینان بیشتر برای بهره‌برداران، بهسازی و نوسازی باغ‌های قدیمی با روش علمی برای استفاده از فناوری‌های نوین، اعمال تعرفه مناسب برای واردات میوه، فعال‌سازی تشکل‌های موجود باغداران با اتخاذ سیاست‌های تشویقی، پرداخت سهم بخش تولید به میزان مقرر در قانون هدفمندی یارانه‌ها به صورت نهاده به کشاورزان، اجرای برنامه آمایش به صورت فنی و مطالعه‌شده، آزادسازی واردات فناوری‌های باغبانی اعم از بیولوژیکی و مکانیکی در کنار حذف قوانین قدیمی تحت عناوین قرنطینه یا حمایت از تولید نهال قدیمی انجام پذیرد.

جامعه صیادان اعتقاد دارند که جلوگیری از صدور هر گونه مجوز صید (موافقت اصولی شناور) به لحاظ بحران کاهش منابع و عدم توازن تلاش صید با میزان ذخایر قابل برداشت، مشارکت واقعی تشکل‌های صیادی در تصمیم‌سازی‌ها و بهره‌گیری از دانش و تجربه ماهیگیران در مدیریت صید، اجرایی کردن نظرات کارشناسی سازمان تحقیقات شیلات با هم‌اندیشی تشکل‌های صید، اصلاح و بازنگری قوانین شیلات در راستای اجرایی شدن سیاست‌های اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی، استمرار حمایت یارانه‌ای از نظر قیمت سوخت و کاهش کارمزد وام، تشویق صیادان لنج‌دار برای سرمایه‌گذاری در بخش تکثیر و پرورش ماهی در قفس در دریا یا تبدیل بخشی از لنج‌ها به کشتی مدرن برای برداشت از سهم صید ایران در آب‌های بین‌المللی، انعقاد قراردادهای منطقه‌ای با کشورهای همسایه در جهت برداشت و مدیریت صید مشترک و اعمال ممنوعیت‌های فصلی همزمان صید، تخصیص بخشی از درآمد حاصل از نفت و گاز برای بازسازی ذخایر و منابع آبی، احداث مزارع دریایی و زیست‌گاه مصنوعی در دریا، انجام مطالعات و تحقیقات از نحوه زیست و مهاجرت آبزیان خلیج فارس و دریای خزر، بخشودگی دیون

تشکل‌های صیادی و تخصیص اعتبار برای گردآوری و استانداردسازی تجهیزات صید مضر و مخرب به حل مشکلات آنها کمک می‌کند.

تولیدکنندگان صنعت مرغداری بر این باورند که تامین ارز کافی خارج از بوروکراسی، وضع عوارض گمرکی برای واردات گوشت مرغ، ایجاد مشوق صادراتی و بررسی علل تلفات و افزایش هزینه تولید برای حل مشکلات صنعت مرغداری ضرورت دارند.

صنعت سیمان نیازمند آزادسازی قیمت یعنی تعیین قیمت در هر منطقه بر اساس عرضه و تقاضا، تامین وسیله و ناوگان حمل و نقل ریلی و کامیونی، تمهید ترمینال صادراتی و تسهیل در تامین منابع ارزی و ریالی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای همسایه از طریق ایجاد آسیابهای سیمان و خط تولید است.

تولیدکنندگان خودرو تقویت نقش زنجیره تامین با استفاده از تکنولوژی خارجی و بهره‌گیری از روابط تکنولوژیکی متقابل، کسب دانش و اندوخته تکنولوژیکی و استفاده از آن در برندهای داخلی و به کارگیری تجربه زنجیره تامین در طراحی و تولید موتور ملی -پلتفرم ملی و خودرو ملی و سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو کاهش تعرفه ورود برخی از مواد اولیه اصلی که امکان تولید آنها در داخل نیست، پرداخت مطالبات شرکت‌های قطعه‌ساز و تولیدکنندگان محصول توسط خودروسازان، تسهیل و تسریع شرایط گشایش LC داخلی و کمک به موارد اجبار به خریدهای نقدی از سوی بانک‌ها توسط بانک مرکزی، گشایش اعتبار برای خرید مواد اولیه با حداکثر ۱۰ درصد مبلغ فاکتور خرید توسط بانک مرکزی، آزادسازی قیمت خودرو و اصلاح دیدگاه عمومی جامعه نسبت به سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی را برای حل مشکلات خود ضروری می‌دانند.

مرکز تحقیقات استراتژیک

www.csr.ir

### فهرست منابع

۱. اشرف، احمد (۱۳۵۹) موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، انتشارات زمینه.
  ۲. جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۶) گنج شایگان، موقوفات دکتر محمودافشار.
  ۳. خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۸) گزارش مربوط به لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها، مرکز تحقیقات استراتژیک، کد گزارش ۵۵-۸۸-۲-۰۴.
  ۴. رنانی، محسن (۱۳۷۴) بازار یا نابازار، مرکز اسناد و مدارک علمی سازمان برنامه و بودجه.
  ۵. سیف، احمد (۱۳۷۳) اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، نشر چشمه.
  ۶. عظیمی، حسین (۱۳۷۱) مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی.
  ۷. کاتوزیان، همایون (۱۳۶۷) اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، نشر مرکز.
  ۸. یگانه، محمد (۱۳۸۴) خاطرات محمد یگانه، به کوشش حبیب لاجوردی، نشر ثالث.
  ۹. مجموعه مستندات ارائه شده در همایش «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی از منظر تولیدکنندگان» مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۱
- تشکل‌های تخصصی سیمان، نساجی، قطعات خودرو و مجموعه‌ها، طیور، برنج، پنبه، چغندر قند، سیب‌زمینی، محصولات باغی، شیلات و صیادی

مرکز تحقیقات استراتژیک